

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

دوکتور شیرزاد

۲۶.۱۲.۰۹

شام سیاه شش جدی

سرآغاز بدبختیها و آوارگی افغانها

قسمت دوم

آوارگی از کجا تا کجا؟

کودتاجیان سیاه روی هفت ثور ۱۳۵۷ این خائنین و شرفباختگان وجدان مرده با عمل ناسنجیده و خیانت آمیزشان در سرزمین کوهستانی (۷۵%) افغانستان که ساحه زراعتی و جنگلی آن (۲۵%) محدود است- توازن باروری و خودکفایی ملت را برای صدسال به عقب کشاندند و افغانستان را به بازار مصرفی تبدیل کرده و میهن را به تل خاکستر تبدیل کردند. در افغانستان که ساحه زراعتی آن چهارمیلیون و چهار صد و چهار هکتار است و از آن جمله دومیلیون سه صد و بیست و نوزده هکتار (۵۲.۴%) آنرا اراضی آبی و دومیلیون یکصد و سیزده هزار هکتار (۴۷.۶%) آنرا للمی و همچنان شش میلیون پنجمصد و شصت هزار هکتار را جنگلات و ساحه جنگلی و علفچرها تشکیل میدهد- بعد از کودتای خونین هفت ثور و خصوصاً بعد از تجاوز قوای اشغالگر روسیه شوروی با استفاده از انواع بمبهای ناپالم، کیمیاوی و زهری - صدها هزار هکتار زمین را غیر قابل زرع ساختند (این جنایت ضد بشری چندین بار از طرف جوامع بین المللی نیز با ارائه اسناد معتبر اعلان شد و اسناد موجود است). در حقیقت جنایت نابخشودنی در حق ملت و میهن افغانها از طرف روسهای اشغالگر و نوکران گوش به فرمان شان و نیروهای "ریزرف" روسها در بین نیروهای مقاومت انجام گرفت!

غده سرطانی هفت ثور ۵۷ و شش جدی ۵۸ که سرمنشاء همه بدبختیها و بربادیها در افغانستان است - افغانستان را به یگانه کشوری در جهان تبدیل کرده که بیشترین مهاجرین جهان را داشته است (UNHCR) و دارد که به در اینجا تنها ولایت پروان را طور نمونه میگیریم:

در سال ۱۳۵۶ خورشیدی در ولایت پروان ۱۶۵۴ (یکهزار و ششصد و پنجاه و چهار) قریه بزرگ و کوچک نشانی شده بود که مجموعاً ۱۱۰۵۰۱ (یکصد و ده هزار و پنجمصدویک) خانوار زیست داشتند. در سال ۱۳۵۸ خورشیدی ۱۰۷۰۰۱ (یکصد و هفت هزار و یک) خانوار باقی ماندند که در ظرف یکسال کودتا ۳۵۰۰ خانواده مجبور به ترک خانه و کاشانه شان شدند و پس از حمله نظامی تجاوزگران روس در شش جدی ۵۸ تعداد دیگری نیز مجبور به ترک وطن شدند که در سال ۱۳۶۶ خورشیدی باقیمانده خانوار به ۴۷۸۳۱ (چهل هفت هزار و هشتصد و سی و یک) خانوار میرسید یعنی % ۴۳.۳ از مجموع خانوارها که % ۵۶.۷ آن یعنی ۶۲۶۷۰ (شصت دو هزار و ششصد و هفتاد) خانوار به پاکستان و ایران و سایر کشورها آواره دایمی شدند - و این را هم نباید فراموش کرد که از جمله این آوارگان افغانی سیاه بخت - شیرازه چند خانواده از هم پاشیده و چه ضربه هولناک روانی برای ابد بر آنها وارد آمده است !!

قرار احصائیه دقیق ملل متحد (UNHCR) تا دسمبر ۱۹۸۶ (هفت سال بعد از کودتای هفت ثور ۵۷) به تعداد هجده هزار افغان تحصیلکرده با سوپه علمی لیسانس و بالاتر از آن به کشورهای اروپائی و آمریکا ثبت نام شده بودند. در کشوری که تعداد تحصیلکرده آن بسیار کم است و آنها با صد رنج و مشقت از هزینه مالیه ملت به جامعه تقدیم شدند با بروز یک غده سرطانی توسط میکروبها و ویروسهای خطرناک به شهادت رسیدند و یا جبراً آواره دیار بیگانه شدند !

یائزده هزار تحصیلکرده و کادر علمی افغان با سوپه علمی لیسانس و فوق لیسانس از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ خورشیدی الی ۱۳۶۳ خورشیدی تنها در کابل مستقیماً تیرباران و زنده زنده به گور شدند و هزاران دیگر در سالیان پسین آن هم در کابل و هم در سایر ولایات به دست سیه دلان وطن فروش و خود فروخته شهید شدند. البته این ارقام شامل کشتارها و بمباران هوایی نیروهای اشغالگرو روس و نوکران شرف باخته و وجدان مرده شان نیست و همچنان این ارقام شامل کشتارهای وحشیانه تنظیمهای فرهنگ ستیز عقبگرا نیز نمیشود !

پروفیسور داکتر دیتیریش ویه- از انستیتوت جغرافیه در پوهنتون کیل المان (بخش المانغربی وقت) رساله مفصلی تحت نام "ساختار سیاسی- جغرافیائی افغانستان" نوشته که در بخش چهارم آن زیر عنوان "اردوگاه یا کمپ پناهندگان افغان در پاکستان" مینویسد:

"در علاقه شمال غرب پاکستان تا به دسمبر ۱۹۷۸ به تعداد ۱۴۰۰۰ (چهارده هزار) نفر افغان راجستر شده بود. در دسمبر ۱۹۷۹ به تعداد ۳۴۲۰۰۰ (سه صد و چهل و دو هزار) نفر و در نوامبر ۱۹۸۰ بتعداد ۱۰۰۰۰۰۰ (یک میلیون) نفر از سرحدات افغانستان گذشته (یعنی تنها به پاکستان آواره شدند. مترجم) و در جنوری سال ۱۹۸۲ تعداد راجستر شدگان به ۲۱۰۰۰۰۰ (دومیلیون و یکصد هزار) نفر میرسید. دومین نقطه تجمع علاقه بلوچستان است که در سال ۱۹۷۹ به تعداد ۴۵۰۰۰ (چهل و پنج هزار) نفر و در سال ۱۹۸۰ به تعداد ۱۹۵۰۰۰ (یکصد و نود و پنج هزار) نفر و در سال ۱۹۸۱ به تعداد ۳۷۰۰۰۰ (سه صد و هفتاد هزار) نفر و در سال ۱۹۸۲ به تعداد ۳۹۶۰۰۰ (سه صد و نود و شش هزار) نفر و در سال ۱۹۸۳ به تعداد ۷۰۷۰۰۰ (هفتصد و هفت

هزار) نفر زندگی میکردند. تعداد اطفال پائینتر از دوازده سال در ایالت شمال غرب % ۴۷.۹ و در بلوچستان % ۵۱.۲ میباشد". البته پروفیسور دیتیش و بیه چنین نتیجه گیری میکند که "مسأله اورگان نتیجه تجاوز روسیه شوروی است".

جدول زیر تنها شامل آوارگان افغانی در پاکستان تا سال ۱۹۸۳ است.

سال	تعداد نفر	تعداد نفر	جمع	جمع کل
علاقه شمالغرب پاکستان				
دسمبر ۱۹۷۸	۱۴,۰۰۰	چهارده هزار	۲,۱۰۰,۰۰۰	۲,۸۰۷,۰۰۰
دسمبر ۱۹۷۹	۳۴۲,۰۰۰	سه صد و چهل و دو هزار		
نوامبر ۱۹۸۰	۱,۰۰۰,۰۰۰	یک میلیون		
جنوری ۱۹۸۲	۲,۱۰۰,۰۰۰	دو میلیون و یکصد هزار		
علاقه بلوچستان پاکستان				
دسمبر ۱۹۷۹	۴۵,۰۰۰	چهل و پنج هزار	۷۰۷,۰۰۰	دو میلیون هشتصد هفت هزار
دسمبر ۱۹۸۰	۱۹۵,۰۰۰	یکصد و نود و پنج هزار		
نوامبر ۱۹۸۱	۳۷۰,۰۰۰	سه صد و هفتاد هزار		
جنوری ۱۹۸۲	۳۹۶,۰۰۰	سه صد و نود و شش هزار		
فبروری ۱۹۸۳	۷۰۷,۰۰۰	هفتصد و هفت هزار		

در دسمبر سال ۱۹۹۱ تعداد آوارگان افغان در پاکستان و ایران به شش و نیم میلیون نفر و در اروپا و قاره امریکا به چهار صد و پنجاه هزار نفر میرسید.

جنایات ضد بشری و سرآغاز نسل کشی توسط تجاوزگران روسی و مزدوران گوش به فرمان شان چنان ابعاد گسترده ای به خود گرفت که حتی نویسندگان، روزنامه نگاران و سیاسیون اروپای شرق که روزی خود حامیان این گروه های تبهکار و اوباش بودند، زبان به افشای جنایات خلق و پرچم زدند. یکی ازین جمله هم آقای مارتین میکیسکا Martin Mykiska از جمهوری چک است که در کتابش به نام "افغانستان، گرد و گلاب" از فجایع و ظلمها نیکه در حق جاندار و بیجان ملت و میهن افغانستان شده و از چشم دیدهایش در سه سفر جداگانه اش- زمان تجاوز روسها، امارت گروه عقبگرای طالبان و "سلطنت آقای کرزی" (در حقیقت سلطنت یونیکال) را در سال ۲۰۰۲ به رشته تحریر آورده است که در بخشهای از آن چنین میخوانیم:

"دولت کمونیستی افغانستان که با کودتای خونینی سرکار آمد و بالاخره به شیوه افغانی برای تحکیم قدرت شان به قساوت و بیرحمی شدیدی روی آوردند، هر دو گروه خلق و پرچم یکدیگرشانرا به خاطر سواستفاده از اسم توده (مردم) ملامت میکردند- ولی در حقیقت هر دوجناح فاقد اصل اساسی مبارزه بودند یعنی همان توده مردم - به خاطر چیزیکه باید مبارزه میکردند. در میان هر دوجناح و در بین هر جناح کشمکش بر سر قدرت شروع شد (ص ۴۰)". آقای میکیسکا در تحلیلش از جنایتکاران ادامه میدهد:

"در زمان حکومت طرفدار روسها ده هাজার نفر تیرباران و اعدام شدند که تعداد دقیق آن هرگز معلوم نخواهد شد. فلذا به ضد دولت مرکزی در سراسر افغانستان مقاومت مردم آغاز شد."

"... از اعمال رژیم قصابان کابل چروکی برجبین دوستان مسکو (باداران شان مترجم) افتید. چون شیوه اداره کابل اسم نیک پکت سوسیالیزم را به باد انتقاد میگرفت و از طرف دیگر مقاومت افغانها به نام جهاد فراگیر شده میرفت و شرایط امنیتی از دست حفیظ الله امین خارج شده میرفت. گرچه امین مکرراً از شورویها تقاضای کمک برادرانه را به خاطر خاموش ساختن "مقاومت مردم" حقیقتاً "انقلاب توده ای" کرده بود ولی ترس اصلی به خاطر جان خودش بود. کمک بالاخره فرستاده شد و علت اساسی آن همانا حفظ حکومت کمونیستی افغانستان بود تا از به وجود آمدن رژیم اسلامی دیگری در سرحدات جنوبی شوروی جلوگیری کند، قسمیکه در مورد ایران صورت گرفت.

شورویها تلاش کردند تا مقاومت را از شهرها و دره ها خارج ساخته و آن را سرکوب کنند ولی بلافاصله به مقاومت بیمانندی مواجه شدند. مجاهدین زندگی را بر روسها تلخ کردند و به ایشان درسهای جانانه ای را یکی پی دیگر آموختاندند. سرزمین کوهستانی تقاضای استفاده وسایل بی حد و حساب نظامی را از طرف متجاوزین میکرد. به طورمثال درجنوری ۱۹۸۰ ارتش سرخ دارای ۱۵ فروند هلیکوپتر، درجون ۴۵ فروند درجولای تعداد آن به ۱۷۵ فروند و در سپتمبر ۱۹۸۰ به ۳۰۰ فروند هلیکوپتر جنگی رسید. از حملات وسیع هوایی در قتل عام مردم عوام که زبان عاجزاست، مجاهدین نمیتوانستند دفاع کنند. از طرف دیگر عدم سازماندهی منظم در گروه های مجاهدین که نمیتوانستند متحد شوند- روسها را آموختاند که در ساحه های کوهستانی از سلاحهای شان تا آخرین حد ممکن استفاده نمایند و برای حفظ موضع های خود از تمام قوا با بیرحمانه ترین شکل آن استفاده کنند".

... " در اواخر سال ۱۹۸۶ شرایط تغییر کرد- زمانیکه نوع جدید راکتهای ضدهوایی اتومات مجهز با سیستم ماورای اشعه قرمز به نام ستینگر به افغانستان آمد. سیستم آیدال برای افغانستان "فیرکن و به قصه اش مباحش". در نومبر ۱۹۸۶ رهبری شوروی مجبور شدند که از سقوط دادن ۲۳ فروند طیاره شان در سه ماه اخیر اعتراف کنند. بالاخره در ماه های بعدی سقوط طیاره ها به طور اوسط روزانه به یک فروند رسید. راکتهای ضدهوایی را CIA از طریق پاکستان در اختیار مجاهدین قرار میداد. این جنگ انترناسیونالستی (چند ملتی) امید عقب نشینی شورویها را نا ممکن ساخته بود- تا جائیکه ماجرای داغ چند ملتی در افغانستان هزینه نظامی روسها را بشکل سرسام آور و غیر قابل تصویری بالا میبرد که فشار سیاسی آن دو چندان بود. همچنان کاملاً واضح بود که هدف آمریکائی ها تنها حمایت از مجاهدین نبوده است و هرگز برای افغانستان و مردمش ننجنگیدند !! "

... " مقاومت مردمی فراگیر شده و سراسری شد- تا جائیکه آهسته آهسته کنترل فضاء را مجاهدین در کنترل گرفتند (با انواع راکتهای دافع هوا از نوع سنتنر و BP) که شورویها قدم به قدم به حالت دفاعی قرار گرفتند و تلاش کردند که لاقل شهرهای کلان و راه های مهم مواصلاتی را تحت کنترل داشته باشند. در اخیر سال ۱۹۸۷ تقریباً ۸۵ درصد اراضی (افغانستان) تحت کنترل مبارزین ضد روسها بود

که در عمل عبارت بود از حاکم بودن بر ساحه فضائی افغانستان. تمام پروازهای اکمالاتی و جنگنده های شکاری روسها و دولت دست نشانده شان از طرف روز به حد اقل تقلیل داده شد. در جریان جنگ ضد استعماری تقریباً نصف اردوی دولت به مجاهدین پیوست. در اخیر سال ۱۹۸۸ در جهاد ضد روسی ۱۷۰۰۰۰ (یکصد و هفتاد هزار) مبارز سهیم بودند.

... " جای تعجب اینست که وفادارترین نیروهای نظامی افغانستان را پیلوتها تشکیل میدادند که شورویها برایشان پرواز و جنگیدن را آموختانده بودند. شورویها آنها را تقریباً با تخنیک مدرن جنگی همچون جنگنده های شکاری SU-22 و هلیکوپترهای جنگی Mi-24 مجهز کرده بودند. پیلوتها از رژیم به رژیم وفادار ماندند و تعدادی از آنها حتی در خدمت گروه طالبان قرار گرفتند. چنانچه درین فاصله در جهان و خصوصاً در مسکو مسایل زیادی رخ داد. در یازدهم فبروری سال ۱۹۸۹ زمانیکه آخرین نظامی شوروی از خاک افغانستان خارج شد (مجبور به فرار شدند. مترجم) یکی از جنرال های شوروی به طرف گروه خبرنگاران منتظر نزدیک آمد و صرف یک جمله یادگاری ابدی را گفت و برگشت "هیچ چیزی از من نرسید - از دوزخ برگشتیم" !!

... " ارقام رسمی منابع شوروی از کشته شدن ۱۴۴۵۳ (چهارده هزار چهارصد و پنجاه و سه) نفر و زخمی شدن ۴۶۴۲۵ (چهل و شش هزار چهارصد و بیست و پنج) نفر خبر دادند (ولی رقم اصلی آن خیلی بیشتر ازین است - مراجعه شود به مقاله ضربه مرگبار. ازین قلم). کشته های طرف افغانی در اشغال ده ساله به میلیون نفر میرسد و پنج میلیون نفر مجبور شدند تا به خارج از کشور مهاجر شوند و میلیونها دیگر به خاطر جنگ متجاوزین مجبور به ترک خانه هایشان شدند ولی در داخل افغانستان باقی ماندند. ضمناً ویرانی زیربنای اقتصادی افغانستان غیر قابل حساب است.

... " با خروج روسها از افغانستان} رنج نظامی برای روسها به پایان رسید ولی برای افغانها هرگز بیابانی نداشت. ابعاد وسیع کودتای اپریل ۱۹۷۸ و اشغال نظامی ده ساله افغانستان - این کشور را به فاز جدید جنگ داخلی کشاند !"

... " از زمان سقوط رژیم نجیب الله {اپریل ۱۹۹۲} تا به تصرف کابل توسط طالبان {اگست ۱۹۹۶} در پایتخت افغانستان بین ۳۵۰۰۰ (سی و پنجهزار) تا ۵۰۰۰۰ (پنجاه هزار) نفر کشته شدند که اکثراً ملکی بودند."

وی از حالت مهاجرین افغان در پاکستان چنین ادامه میدهد:

"موج عظیمی از مهاجرین افغان بعد از سال ۱۹۷۹ شروع شد یعنی بعد از تجاوز شوروی که تعداد اکثر آنها مدت ۲۳ سال است هنوز هم در مهاجرت به سر میبرند. گروه های اصلی مهاجرین در سالهای ۸۲- ۱۹۸۱ مجبور به ترک افغانستان شدند. در صفحات اول کتاب مهاجرین اردوگاه کاجاگاری [کچه گری] یادداشتی بود بدینسان: در تابستان ۱۹۸۶ به تعداد ۲۰۰۰ (دو هزار) فامیل که شامل ۵۰۰۰۰ (پنجاه هزار) نفر میشد راجستر شدند. ازین نوع اردوگاه ها تنها در اطراف پشاور پاکستان به بیشتر از ۳۰ (سی) اردوگاه میرسید."

بدبختانه میدانیم که در کشاکش دو ابرقدرت همان زمان افغانستان آخرین قربانی جنگ سرد شد. قرعه فال به نام ابر قدرت آمریکا زده شد و توانست افغانستان را به "ویتنام" روسی تبدیل کند که تبدیل کرد و بنیاد سست و لرزان قدرت دروغین و کاغذی روسیه شوروی را از تهداب ویران کرد. کمکهای "سخت‌مندان" امپریالیزم آمریکا و سایر رقیبان روسیه شوروی چنان ابعادگسترده ای به خود گرفت که توان مقاومت ارتش تجاوزگر امپریالیزم روس و مزدوران گوش به فرمان شان را روز به روز کاهش میداد.

ولی حقیقتاً که این ملت غیور و با شهامت افغانستان بود که با قبول قربانیهای بی حساب پوز استعمار روس و نوکران جنایتکار شانرا به خاک سایید و ارتش تجاوزگر روس را مجبور به فرار کردند. ولی در افغانستان جنگ آزادیبخش ملی به درازا کشید و این یک واقعیت است که دشمنان دیگری نیز نمیخواستند غیر این باشد.

بیانیه رونالد ریگن رئیس جمهور وقت آمریکا در سنای آنکشور که به صراحت میگفت:

"... به جنبش افغانستان باید آنقدر کمک شود تا بتواند در مقابل شوروی مقاومت کند و آنرا مصروف نگهدارد..." و ادمیرال رابرت لانک فرمانده وقت نیروی دریایی اوقیانوس آرام شورای نظامی آمریکا چنین اظهار داشت:

"... در جائیکه شوروی قدرت نظامی خود را در افغانستان نشان داده و از تأسیسات پایگاههای هوایی و نیروی دریایی در اقیانوس هند جنوبی برخوردار است و حضور آن در اقیانوس هند احساس میشود، عاقلانه نیست که سیاست دفاعی خود را تنها به یک نقطه سوق الجیشی معطوف کنیم و غرب اقیانوس آرام و ابهای اقیانوس هند را در اختیار شوروی بگذاریم" (ص ۲۰۰ کتاب "درگذرگاه افغانستان" نوشته ویتهم دانیل).

این یک واقعیت انکارناپذیر است که ارتش تجاوزگر روس در افغانستان چنان مصروف شد که هزینه آن روزانه از ۱۰ تا ۲۰ میلیون دالر تخمین میشد (اسناد افشاء شده KGB در سال ۱۹۹۲). ولی هزینه کشته شدن یک ونیم میلیون افغان، معیوب شدن صدها هزار افغان، بیوه شدن صدها هزار زن، بی عفت شدن هزاران زن، یتیم شدن صدها هزار طفل، خرد و نابود شدن حالت روحی و روانی یک ملت (۲۸ میلیون افغان)، از هم پاشی شیرازه یک ملت و خلاصه ویران شدن یک کشور را کسی تخمین کرده نتوانسته و نمیتواند تخمین کند !!

عاملین این جنایت وحشتناک براساس حکم منطق تاریخ و سیرسرنوشت جنایتکاران عالم به جایگاه تاریخی شان یعنی زباله دان تاریخ سپرده شدند و میشوند و لکه ننگ و زبونی ابدی بر جبین عاملین آن حک شده است.

کنون زمان آن فرارسیده تا تمام عاملین این جنایات هولناک را - این کودتاجیان سیاه روی شرف باخته و وجدان مرده را به خاطر نقض صریح حقوق انسان، به خاطر نسل کشی و به خاطر جنایات ضدبشری شان که در افغانستان مرتکب شده اند به محاکمه کشانیده شوند تا به جزای جنایات مرتکب شده شان برسند و روح پاک شهیدان راه آزادی آرام گرفته و مرحمی باشد برآلام داغ دیدگان این سه دهه ویرانی و کشتار

و همچنان پندی باشد برای دیگران که به خاطر قدرت طلبی و بستن کمر خدمت به بیگانگان، کار را با گلوی هموطنانشان آشنا نکنند !!

برای به محاکمه کشانیدن همه این جنایتکاران جنگی- ملت افغانستان حوصله فراخ و مغز سرد دارند تا هر زمانیکه باشد - دیر یا زود حق این جنایتکاران را در کف دستشان خواهند گذاشت !

نظر به قوانین جزای اکثر کشورهای غرب (% ۱۰۰) امکان محاکمه کردن این سیه دلان جنایتکار موجود است و این امکان را به هر فرد و هر افغان میدهد تا علیه ناقضین حقوق بشر اقامه دعوا کنند. گرچه دولت تکنوکراتها و سست بنیاد فعلی کابل با چنگ و دندان مانع پیاده شدن تطبیق عدالت انتقالی شده است که اعترافات عجزآمیز اخیر "جناب آقای رئیس جمهور انتسابی یونیکال" دال برین واقعیت است. ولی دیری نخواهد گذشت که بلااستثناء همه جنایتکاران سیه دل در هر گوشه ای از جهان و در هر چوکی و مقامی که باشند به پای میز عدالت خواهی ملت افغانستان کشانیده شده و محاکمه خواهند شد (چنانچه در سال ۲۰۰۶ از طرف محکمه بین المللی لاهه دو نفر از این جنایتکاران و طنفروش محاکمه شدند و به زودی هموطنان ستمدیده مان شاهد محاکمه چندتن دیگر این جنایتکاران خواهند بود). در حال حاضر جنایتکاران خلقی و پرچمی این عناصر خود فروخته در سراسر جهان سخت در تلاش اند تا پرده بر جنایات تنگین خویش بیندارند و جنایات ضد بشری شانرا به سلیقه خودشان توجیه کنند. آنها با سازماندهی دوباره آنده

از اعضای شان که در سه دهه اخیر از ریختن خون دو میلیون افغان عطش شان سیراب نشده و میخوانند همراه با اعضاء "ریزرف" روس در بین نیروهای تنظیمی دست به تشکیل سازمانها و احزاب و جبهه ها میزنند تا توانسته باشند بار دیگر جنگ لسانی، مذهبی، قومی و منطقه ئی را دامن زنند و جریان محاکمه جنایتکاران را چند صباحی به عقب بیندازند ! (صفحه



ششم و هفتم دیده شود).

ولی مردم ستمدیده و قهرمان افغانستان کف دست این جنایتکاران را خوانده اند و حق شانرا در کف دست شان خواهند گذاشت.

کدام نیروها در افغانستان نیروهای "ریزرف" روسها بودند و هستند !

کدام گروه هائی در عقب توطئه جنگ نژادی، مذهبی، لسانی، قومی و . . . دخیل بودند و هستند ؟

این را فکر کن و دیگر خود دانی!

ششمین جشن وطن بردوش

پایه حساب است آنرا
مجالس آزاد چه

تظنم و اعتراف در
متحد شوید

دین وطن بردوش ما و شما

کسی را که حساب پاک است آنرا ز محکمه چه پاک است

بخاطر تطبیق عدالت در افغانستان متحد شوید

دوستان او ستاسو په غاړه دى

د چاچي حساب پاك وى دهغه د محكمې نه څه پاك وى

عليه السلام غيظي قورسك حيا

د وطن پور زمونږ او ستاسو په غاړه دى
د چاچي حساب پاك وى دهغه د محكمې نه څه پاك وى
په افغانستان كې د عدالت د تطبيقولو په خاطر سره يوشى

چشم باید دید طور باید دید هوای شایسته

ضمیمه: عزیزان علاقمند و یا آنانیکه میخواهند خرده بگیرند و یا انتقادی دارند و یا میخواهند ناسزا بگویند لطفاً کاپی نوشته شانرا به این آدرس ارتباطی

بفرستند تا فرمایشات شانرا به جواب گیرم. sherzadabd@hotmail.com ممنون